

بسمه تعالی

آموزش احکام

دفتر ما هم بنامت باز شد

ای که با نامت جهان آغاز شد

درس اول:

احکام

احکام در لغت، جمع حکم و به معنای فرمان و دستور به کار می‌رود و در اصطلاح فقهی، احکام، کلیه دستورهای عملی و فروع دین اسلام در تمام ابعاد آن است و همه دستورهای عبادی و سیاسی و اقتصادی و خانوادگی و قضایی را شامل می‌شود.

ضرورت و اهمیت فراگیری احکام

فراگیری احکام از نظر قرآن و سنت و از دیدگاه علما و مراجع دارای ضرورت و اهمیت خاصی است که به طور اختصار آن را بیان می‌کنیم:

۱. از نظر قرآن:

«فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ...» (توبه/ ۱۲۲)
«چرا از هر گروه از ایشان تنی چند نمی‌روند تا دانش دین بیاموزند.»

«قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ...» (زمر، آیه ۹)
«بگو: آیا کسی که می‌داند با کسی که نمی‌داند برابر است»

۲. از نظر سنت:

امام صادق (ع) فرمود:
«الْعَامِلُ عَلَى غَيْرِ بَصِيرَةٍ كَالسَّائِرِ عَلَى غَيْرِ الطَّرِيقِ وَ لَا يَزِيدُهُ سُرْعَةَ السَّيْرِ مِنَ الطَّرِيقِ إِلَّا بَعْدًا»
«کسی که بدون آگاهی، وظایفش را انجام دهد، مانند کسی است که از بیراهه می‌رود و هر چه تندتر رود از مقصدش دورتر می‌شود.» (بحارالانوار، ج ۱، ص ۲۰۶)

رسول اکرم (ص) نیز در این زمینه می‌فرماید:

«أَفَّ لِكُلِّ مُسْلِمٍ لَا يَجْعَلُ فِي كُلِّ جُمُعَةٍ يَوْمًا يَتَفَقَّهُ فِيهِ أَمْرٍ دِينِهِ وَ يَسْأَلُ عَنْ دِينِهِ.» (بحارالانوار، ج ۱، ص ۱۷۶)
«اف باد بر هر مسلمانی که در هفته یک روز را برای شناخت امر دین خود و پرسش از آن قرار ندهد.»

۳. از دیدگاه مراجع و علمای اسلام:

از دیدگاه علماء مسائلی را که انسان غالباً به آنها احتیاج دارد واجب است یاد بگیرد. (رساله عملیه، مساله یازدهم)
صاحب عروه الوثقی (سید محمد کاظم طباطبایی) می‌فرماید: هر عملی که از مکلف صادر می‌شود فراگیری حکم آن واجب است، خواه از عبادات باشد و خواه از معاملات و یا از امور عادی. (عروه الوثقی، ج ۱، ص ۱۱، مساله ۲۹)

با توجه به آنچه گفته شد، آیا یادگیری احکام ضرورت ندارد؟ آیا شما تمام مسائل خود را می‌دانید؟ آیا تا به حال برای شما چنین سؤالاتی پیش نیامده است؟
کیفیت تطهیر موکت نجسی که به زمین چسبیده چگونه است؟
وضو گرفتن زیر باران چه حکمی دارد؟
آیا می‌توان بر کاغذ رنگی و اسکناس سجده نمود؟
اگر مسح سر بصورت برسد چه حکمی دارد؟ و دهها سؤال دیگر.

قلمرو احکام

قلمرو احکام، تنها مسائل عبادی و معاملات و خانوادگی نیست، بلکه شامل کلیه دستورات عملی اسلام می‌گردد، همان‌گونه که حضرت امام(ره) فرموده‌اند:
هیچ موضوع حیاتی نیست که اسلام تکلیفی برای آن نداشته باشد. (امام خمینی، ولایت فقیه، ص ۱۱)

ابعاد گوناگون احکام اسلامی

۱. بعد عبادی: قسمت عمده احکام درباره اعمال عبادی است.
۲. بعد فرهنگی: مثل احکام مربوط به خواندن کتابهای گمراه کننده و این که برای چه کسانی جایز و برای چه کسانی جایز نیست و نیز حکم نگهداری و چاپ و نشر و تدریس کتب ضاله.
۳. بعد اخلاقی: مثل حکم غیبت کردن بچه نابالغ ممیز که آیا جایز است یا نه.
۴. بعد سیاسی و نظامی: مسائل مربوط به دفاع و امر به معروف و نهی از منکر و جهاد در این زمینه است.
۵. بعد اقتصادی: مانند احکام مربوط به خمس، زکات، مالیاتها، بانک، بیمه و سرقفلی و....
۶. بعد هنری: مانند احکام مربوط به شبیه‌سازی در نمایشهای، همچون تعزیه و مسائلی نظیر مجسمه‌سازی و نواختن آهنگ و گریم کردن و....
۷. بعد بهداشتی و پزشکی: مانند مراجعه بانوان به پزشک مرد.

امتیازات فقه شیعه

۱. جامعیت: فقه شیعه تمام مسائل کلی تا جزئی مورد نیاز را بیان نموده و به عبارتی، غنی ترین فقه در مذاهب اسلامی است، چنانچه استاد عبدالفتاح عبدالمقصود، عالم بزرگ اهل سنت می‌نویسد: سزاوار است که مذهب شیعه در راس مذاهب

اهل سنت قرار گیرد، زیرا منبع اصلی مذهب شیعه علی(ع) است که داناترین مردم به دین اسلام بعد از پیامبر(ص) است.
(سید مرتضی رضوی، فی سبیل الوحده السلامیه، ص ۵۴)
۲. پویایی: فقه شیعه زنده است و صرفاً مربوط به تحقیقات علمای گذشته نیست و همگام با زمان پیش می‌رود و مساله‌ای نیست که فقه شیعه برای آن پاسخی نداشته باشد.
۳. سلطه ستیزی: فقه شیعه، فقهی است ضد استکباری و طرفدار مظلومان و هرگز در طول تاریخ، فقهای شیعه در مسیر سلاطین و طاغوتها نبوده‌اند، بلکه رهبر بزرگترین نهضتها و حرکتها بوده‌اند.

پرسش:

۱) حدیث پیامبر(ص) را در مورد ضرورت و اهمیت فراگیری احکام بنویسید:

۲) از دیدگاه علماء مسائلی را که انسان غالباً به آنها احتیاج دارد است یاد بگیرد.

۳) قلمرو احکام شامل چه چیزهایی است؟

۴) امتیازات فقه شیعه را نام ببرید:

درس دوم:

جایگاه احکام در اسلام

«... لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَ مِنْهَا جَاءَ»

برای هر یک از شما (امت ها) شریعت و راه روشنی قرار دادیم. (مائده آیه ۴۸)

« إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا »

ما راه را به او نشان دادیم، خواه شاکر باشد (و پذیرا گردد) یا ناسپاس! (انسان آیه ۳)

سعادت بشر در این دنیا و جهان آخرت در گرو عمل به احکام و آموزه‌های اسلامی و تطبیق برنامه‌های روزمره در تمام زوایای آن - چه فردی و چه اجتماعی - بر قوانین نجات‌بخش اسلام می‌باشد. این برنامه‌ها به سه دسته تقسیم می‌شود:

الف - برنامه‌های اعتقادی [اصول دین (عقاید)]

ب - دستورهای عملی [فروع دین یا احکام (فقه)]

ج - مسائل روانی [اخلاق]

دسته اول (اصول دین): برنامه‌هایی است در رابطه با سالم‌سازی فکر و اعتقاد انسان و مکلف باید نسبت به آنها یقین پیدا کند و آنها را از روی دلیل بپذیرد و چون این بخش از برنامه‌های اسلام اعتقادی است و نیاز به یقین دارد، پیروی از دیگران (یعنی تقلید) در آنها راه ندارد گرچه می‌توان از راهنمایی دیگران برای تحصیل یقین بهره‌مند گردید.

دسته دوم (فروع دین یا احکام): که برنامه‌های عملی است، مشتمل بر بایدها و نبایدهایی است که با انجام و ترک آنها (همراه با اعتقاد صحیح) اطاعت الهی تحقق می‌یابد مانند خواندن نماز، پرداخت زکات و پرهیز از غیبت و سرقت

دسته سوم (اخلاق): برنامه‌هایی در رابطه با پرورش روح و سلامت روان آدمی است که شیوه تقویت صفات پسندیده مانند؛ عدالت، سخاوت، شجاعت و عزت در نهاد انسان ها و مبارزه با صفات ناپسند و زشت؛ مانند حسد، بخل و نفاق را بیان می‌کند.

کتب فقهی که با تلاش شبانه‌روزی دانشمندان اسلامی به رشته تحریر درآمده، دربردارنده دسته دوم از مسائل دینی است که « احکام » نام دارد.

طریقه به دست آوردن احکام:

شخص مکلف برای شناخت و پی بردن به آن امر و نهی‌ها، باید اجتهاد کند و از منابع مربوط، به آنها دست یابد یا از کسی که با اجتهاد، احکام را استنباط کرده، تقلید کند و یا به احتیاط عمل نماید.

بنابراین وظیفه مکلف نسبت به برنامه‌های عملی اسلام یکی از این سه امر است:

اجتهاد - تقلید - احتیاط

منابع استنباط احکام:

۱- قرآن

۲- سنت (قول، فعل تقریر معصوم ع)

۳- عقل

۴- اجماع (اتفاق نظر فقها بر حکمی)

تقسیم احکام و اقسام آن

واجب: عملی است که انجامش لازم و ترک آن عذاب دارد. مانند: نماز

حرام: عملی است که ترک آن لازم و انجامش عذاب دارد. مانند: دروغ

مستحب: عملی که انجامش مطلوب است و ثواب دارد ولی ترک آن عذاب ندارد. مانند: نماز شب

مکروه: عملی که ترک آن مطلوب است و ثواب دارد ولی انجامش عذاب ندارد. مانند پوشیدن لباس سیاه در نماز

مباح: عملی که انجام و ترک آن مساوی است. مانند: آب خوردن، نفس کشیدن

پرسش

۳) تفاوت اصول و فروع دین چیست؟

۱) وظیفه مکلف نسبت به برنامه‌های عملی اسلام چیست؟

۲) منابع استنباط احکام را نام ببرید:

۳) در کدامیک از برنامه‌های دینی تقلید صحیح نیست؟ چرا؟

۴) برای واجب، مستحب و مباح هر کدام دو مثال دیگر غیر از آنچه که در درس آمده، بیاورید.

درس سوم:

تقلید

تقلید: به معنای پیروی از دیگری و در اصطلاح فقه، عمل به دستور مجتهد را گویند.

«فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» (نحل/۴۳)

(از آگاهان بپرسید اگر نمی‌دانید.)

امام زمان (عج) فرمودند:

«أَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَأَقْعَهُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ.» (الغيبه طوسی، ص ۲۹۱)

(در رخدادهای گوناگون به راویان احادیث ما (مجتهدان جامع شرایط) رجوع کنید آنان حجت من بر شمایند.)

به هر مکلفی که به درجه اجتهاد نرسیده و طریقه احتیاط را نمی‌داند واجب است در احکام، از مجتهد تقلید کند.

تقلید در احکام، اختصاص به واجبات و محرمات ندارد بلکه در مستحبات و مکروهات و مباحات مهم نیز جاری است.

مرجع تقلید: به مجتهدی که دیگران از او تقلید می‌کنند، مرجع تقلید می‌گویند.

مرجع تقلید باید دارای این شرایط باشد:

- | | |
|--|---------------------------|
| ۱- اجتهاد | ۲- بلوغ |
| ۳- مرد بودن | ۴- حلال‌زادگی |
| ۵- عقل | ۶- عدالت |
| ۷- زنده بودن | ۸- شیعه دوازده امامی بودن |
| ۹- بنا بر احتیاط واجب اعلم بودن و اینکه حریص به دنیا نباشد | |

عادل؛ به کسی گویند که دارای قوه عدالت باشد و عدالت حالتی نفسانی است که انسان را به تقوا و داشته و از ارتکاب گناهان کبیره و اصرار بر گناهان صغیره باز می‌دارد.

اعلم؛ کسی است که قواعد و مدارک مسأله را بهتر بشناسد و بر نظایر آن مسأله و اخبار اطلاع بیشتر داشته باشد و همچنین اخبار را بهتر بفهمد. به طور خلاصه اعلم کسی است که در فهم و استنباط احکام از دیگران بهتر و استادتر باشد.

تقلید ابتدایی: از مجتهد و مرجع تقلیدی که از دنیا رفته جایز نیست. یعنی کسی که اکنون مکلف شده یا تاکنون تقلید نکرده، نمی‌تواند از مجتهدی که از دنیا رفته است، تقلید کند بلکه باید مقلد مجتهد زنده باشد.

کسی که بر تقلید از میّت باقی مانده است در مسائلی که میّت فتوا نداده و همچنین در مسائل جدید باید از مجتهد زنده تقلید کند.

بقای بر تقلید میت

۱- بقای بر تقلید از میّت اشکال ندارد، یعنی کسی که در زمان حیات مجتهدی به فتاویّش یا بعضی از آنها عمل کرده باشد، می‌تواند بر تقلید او باقی بماند حتی در مسائلی که در زمان حیات آن مجتهد به آنها عمل نکرده نیز می‌تواند از وی تقلید کند. مقلّد در زمان حیات او به حج نرفته و اکنون پس از مرگ او به حج می‌رود، می‌تواند مناسک حج را مطابق فتوای او عمل کند.

۲- بقای بر تقلید از میّت باید با اجازه مجتهد زنده باشد یعنی چنانچه به فتوای مجتهد زنده بقای بر تقلید میّت جایز باشد می‌تواند همچنان از او تقلید کند.

۳- کسی که بر تقلید از میّت باقی مانده است در مسائلی که میّت فتوا نداده و همچنین در مسائل جدید باید از مجتهد زنده تقلید کند.

انتخاب مرجع تقلید

راه های تشخیص اجتهاد و اعلمیّت مرجع تقلید

- **شناخت شخص مقلد:** در صورتی که خودش از اهل علم و دارای تخصص کافی در شناخت اعلم باشد و بتواند مجتهد و اعلم را تشخیص دهد.
- **شهرتی که مفید علم باشد:** یعنی بین اهل خبره چنان به اجتهاد و اعلمیّت مشهور باشد که موجب علم به اجتهاد یا اعلمیّت وی باشد.
- **گواهی دو نفر عادل اهل فبره:** (کسی یا کسانی که صلاحیت علمی تشخیص اجتهاد و اعلمیّت را دارا باشند) بشرط آنکه دو نفر عالم عادی دیگر با گفته آنان مخالفت نکنند.

چند نکته

- ✓ بر مکلف واجب است که جهت شناختن مجتهد اعلم جستجو و تفحص کند.
- ✓ چنانچه دو یا چند مجتهد از نظر علمی با هم مساوی باشند، شخص مقلد مخیر است به هر کدام از آنانکه بخواهد رجوع کند همچنانکه می‌تواند بعضی از مسائل را از یکی و بعضی دیگر را از دیگری تقلید کند.

عدول از مجتهدی به مجتهد دیگر

- عدول از غیر اعلم به اعلم، بنا بر احتیاط، واجب است.
- عدول از مساوی به مساوی در صورتی که به فتوای آن مجتهد عمل کرده باشد، جایز نیست.
- عدول از اعلم به غیر اعلم، جایز نیست.
- عدول از مجتهدی که مدتی از او تقلید می کرده و اکنون معلوم شده است که اهلّیت فتوا نداشته، واجب است.
- عدول از مجتهدی که تاکنون از او تقلید می کرده و اکنون از دنیا رفته است به مجتهد زنده جایز، بلکه احتیاط مستحب است.
- عدول از مجتهد زنده به مجتهدی که از دنیا رفته، بنا بر احتیاط واجب جایز نیست هر چند که قبلاً از او تقلید می کرده و پس از فوت وی به مجتهد زنده رجوع کرده است.

اجتهاد و تقلید

راه های بدست آوردن فتوای مجتهد

- شنیدن از خود مجتهد
- شنیدن از دو یا یک نفر عادل یا مورد اطمینان
- دیدن فتوا در رساله مجتهد که اشتباه نداشته باشد.

پرسش

- (۱) تقلید یعنی چه؟
- (۲) چرا باید تقلید کرد؟
- (۳) در چه صورتی تقلید از میّت صحیح است؟
- (۴) در صورتی که از طرف اهل خبره چند نفر بعنوان مرجع تقلید معرفی شوند ولی اعلم آنها مشخص نباشد، تکلیف چیست؟
- (۵) در چه صورتی عدول از یک مجتهد به مجتهد دیگر واجب است؟

درس چهارم:

مکلف کیست؟

آدمی با گوهر گرانبهای تفکر و تعقل و قوه انتخاب و اختیار از دیگر موجودات متمایز است و کرامت مسئولیت تکالیف الهی به او ارزانی شده که با عمل به آنها به سعادت ابدی خواهد رسید.

در نتیجه در احکام دین، به فرد عاقل بالغ « مکلف » گفته می‌شود، مکلف کسی است که نسبت به احکام دین وظایف مشخصی دارد که باید به آن وظایف عمل کند. پس کودکان (غیربالغ) و دیوانه‌ها (غیرعاقل) مکلف نیستند و در مجموع افرادی که دارای شرایط ذیل باشند مکلف خواهند بود:

بلوغ – عقل – قدرت

بنابراین، فرد عاقل و بالغ که قادر به انجام وظایف شرعی باشد در مقابل اوامر و نواهی الهی مسئولیت دارد و در صورت سرپیچی از آنها عذاب خواهد شد و در مقابل، به پاداش اطاعت از آن فرامین هم خواهد رسید.

اما کودکان و افراد دیوانه و کسی که قدرت بر انجام واجبات ندارد، مکلف نبوده و عمل بر او واجب یا حرام نیست، لذا اگر کودکی دروغ بگوید یا نماز نخواند، عذاب نمی‌شود. اگرچه از فضل الهی، در موارد بسیاری، اعمال نیک آنها ثواب دارد؛ مثل اینکه اگر طفلی بطور صحیح نماز بخواند یا حج بجا آورد، پاداش دارد، اما مکلف بر انجام این اعمال نمی‌باشد و در صورت ترک آنها عذاب نخواهد شد.

گفتنی است ولیّ چنین افرادی و همچنین نظام اسلامی نسبت به اعمال ناپسند آنها (دیوانه‌ها و کودکان) مسئولند و به همین سبب بر ولیّ طفل است که او را از تجاوز به حقوق مردم باز دارد و بر حاکم است که جهت حفظ نظم عمومی و اجرای عدالت او را تنبیه کند.

سن بلوغ

علائم و نشانه‌های بلوغ سه چیز است.

❖ کامل شدن ۱۵ سال قمری برای مردان و ۹ سال قمری برای دختران

❖ روئیدن موی خشن بر عانه (پائین شکم)

❖ بیرون آمدن منی از انسان

برای تحقق بلوغ، ظاهر شدن هر سه علامت ضرورت ندارد بلکه با پدیدار شدن یکی از آنها بلوغ حاصل می‌شود.

باید توجه داشت که سن بلوغ به سال قمری حساب می‌شود و چون هر سال قمری سیصد و پنجاه و چهار روز و شش ساعت است، یعنی ده روز و هیجده ساعت از سال شمسی کمتر می‌باشد، بنابراین با کم کردن ۱۶۶ روز و ۶ ساعت از ۱۵ سال شمسی، ۱۵ سال قمری معلوم خواهد شد.

فرق بین احتیاط واجب و احتیاط مستحب

احتیاط، در اصطلاح فقه عبارت است از عمل کردن به احکام به گونه‌ای که یقین داشته باشد به وظیفه‌اش عمل کرده است. کلیه احتیاط‌هایی که در رساله‌ها آمده است، یا وجوبی است و یا استحبابی.

تفاوت اول: احتیاط واجب، احتیاط بدون فتواست، احتیاط مستحب، احتیاط همراه با فتواست.

اگر مجتهد در مسئله‌ای فتوا داده و احتیاط نیز داشته باشد، این احتیاط، مستحب است و اگر مجتهد در مسئله‌ای فتوا نداده و از ابتدا احتیاط کرده باشد، این احتیاط، احتیاط واجب است که به آن احتیاط مطلق هم می‌گویند.

مثال برای احتیاط مستحب: در غسل ارتماسی اگر به نیت غسل ارتماسی بتدریج در آب فرو رود تا تمام بدن زیر آب قرار گیرد، غسل او صحیح است ولی احتیاط آن است که یکدفعه زیر آب برود.

مثال برای احتیاط واجب: اگر کسی نذر کند که به فقیر معینی صدقه بدهد، نمی‌تواند آنرا به فقیر دیگری بدهد و اگر آن فقیر بمیرد بنا بر احتیاط باید به ورثه او بدهد یا مثلاً مجتهد می‌فرماید: احتیاط آن است که بر برگ درخت انگور اگر تازه باشد سجده نکنند.

تفاوت دوم: در احتیاط مستحب، مقلد باید به همان احتیاط عمل کند یا به فتوای همراه آن، و نمی‌تواند در آن مسئله به مجتهد دیگر رجوع کند. ولی در احتیاط واجب، مقلد می‌تواند به همان احتیاط عمل کند یا به فتوای مجتهد دیگری که پس از آن مجتهد از دیگران اعلم است، مراجعه کند.

تفاوت حکم با فتوا

«فتوا» در اصطلاح فقها بیان حکم خداست به وسیله فقیه؛ مثلاً:

اگر روزه گرفتن برای بدن ضرر داشته باشد صحیح نیست.

«حکم حاکم» دستور به اجرای حکم شرعی و تعیین مصداق و یا موضوع و یا وقت و مکان اجرای حکم شرعی و نیز الزام بر انجام دادن یا ترک کاری به خاطر مصلحت است؛

مانند: دستور به اینکه فلان روز اول ماه است. و نیز تعیین و تقسیم و مصرف انفال و اموال عمومی

تعارض حکم با فتوا

در صورتی که فتوای مرجع تقلید و حکم ولی فقیه خلاف یکدیگر باشد، حکم ولی فقیه مقدم و مخالفت با آن حرام است.

(۱) مکلف کیست؟ و چه شرایطی دارد؟

(۲) نشانه‌های بلوغ را نام ببرید؟

(۳) آیا برای تحقق بلوغ، ظاهر شدن تمام علائم و نشانه‌ها ضرورت دارد؟ توضیح دهید.

(۴) احتیاط در اصطلاح فقه را تعریف کنید و انواع آن را نام ببرید:

(۵) تفاوت بین احتیاط واجب و مستحب را بنویسید (با ذکر مثال برای هر کدام)

(۶) تفاوت «حکم» و «فتوا» را با آوردن مثال توضیح دهید.

بسمه تعالی

به نام خدایی که هر کجا باشیم با ماست. (هُوَ مَعَكُمْ أَيْنَمَا كُنْتُمْ)

درس پنجم:

مقدمات نماز

مجموعه برنامه‌های عملی اسلام، احکام نامیده می‌شود و از جمله آنها واجبات است و نماز یکی از مهمترین و اساسی‌ترین واجبات عملی است.

مسائل مربوط به نماز را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

۱- **مقدمات:** که باید نمازگزار قبل از نماز، آنها را مراعات کند. مانند: طهارت لباس و مکان نمازگزار

۲- **مقارنات:** که مربوط به متن نماز است از تکبیره الاحرام تا سلام آخر نماز

۳- **مبطلات:** که در باره چیزهایی است که نماز را باطل می‌کند.

طهارت

وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ. (توبه/۱۰۸)

و خداوند پاکیزگان را دوست دارد.

... مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَلَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ وَ لِيَتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ. (مائده/۶)

خداوند نمی‌خواهد برای شما زحمتی ایجاد کند بلکه می‌خواهد شما را پاک و نعمتش را بر شما تمام گردانده باشد که سپاس گویند.

یکی از مقدمات نماز کسب طهارت است و طهارت لازم برای نماز دو گونه است:

طهارت باطنی: که نیاز به قصد قربت دارد و با انجام وضو، غسل یا تیمم بدست می‌آید.

طهارت ظاهری: نیاز به قصد قربت ندارد و این همان پاکی بدن یا لباس از نجاسات است.

قبل از نماز انسان باید وضو بگیرد و در برخی از موارد غسل کند و هر گاه نتواند وضو بگیرد یا غسل کند باید بجای آنها تیمم انجام دهد که شرایط و نحوه عمل هر کدام در مباحث مربوطه آمده است.

طهارت غیر از نظافت و نجاست غیر از کثافت است ممکن است چیزی تمیز باشد ولی از نظر اسلام پاک نباشد - خواسته اسلام هم طهارت است و هم نظافت، یعنی انسان باید به فکر پاکی و تمیزی خود و محیط زندگی‌اش باشد. پس افزون بر طهارت روح و باطن که با انجام وضو، غسل یا تیمم حاصل می‌شود بدن و لباس نمازگزار نیز باید از نجاسات (و آلودگی‌ها) پاک باشد.

مطهرات

وَ يُنَزِّلُ عَلَيْكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لِيُطَهِّرَكُمْ بِهِ وَ يَذْهَبَ عَنْكُمْ رِجْزَ الشَّيْطَانِ. (انفال / ۱۱)

و خداوند از آسمان آب را برای شما فرو می‌فرستد تا شما را پاک کند و پلیدی شیطان را از شما ببرد.

پاک‌کننده‌ها عبارتند از:

آب

زمین

آفتاب

استحاله

انتقال

اسلام

تبعیت

برطرف شدن نجاست

استبراء حیوان نجاست خوار

غایب شدن مسلمان

آب

آب، به دو قسم کلی تقسیم می‌شود که عبارتند از: **مضاف و مطلق**

۱- **آب مضاف** : آبی است که از چیزی گرفته باشند. مانند: آب سیب یا هندوانه یا با چیزی مخلوط کرده باشند که

دیگر به آن آب نگویند. مانند: شربت

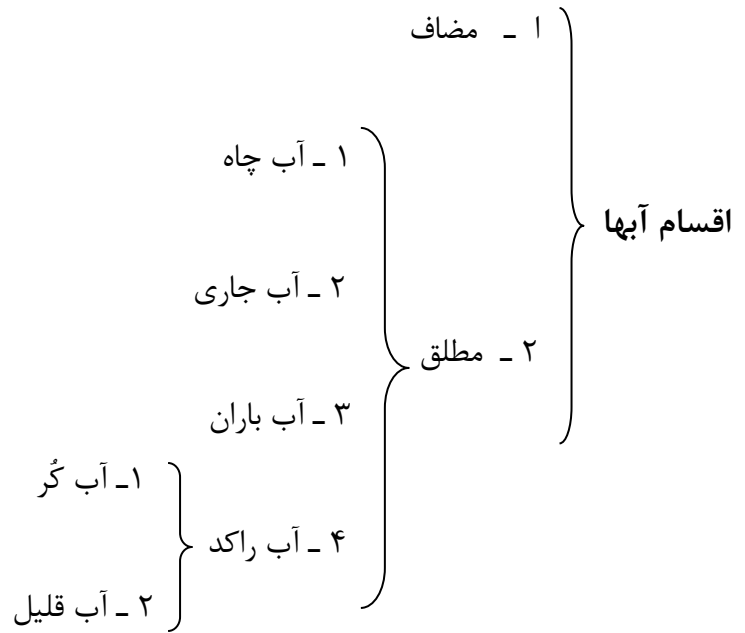
۲- **آب مطلق** : آبی است که مضاف نباشد.

احکام آب مضاف :

- از مطهرات نیست و چیز نجس را پاک نمی‌کند.
- با برخورد به نجاست نجس می‌شود، هر چند که نجاست کم باشد و طعم، بو یا رنگ و مزه آب عوض نشود.
- وضو و غسل با آب مضاف باطل است.

اقسام آب مطلق :

آب مطلق نیز خود انواعی دارد که در زیر نشان داده شده است :



همانگونه که ملاحظه می فرمایید، آب مطلق خود انواعی دارد که عبارتند از :

آب یا از زمین می جوشد و یا از آسمان می بارد و یا هیچکدام به آبی که از آسمان می بارد، باران می گویند.

و آبی که از زمین می جوشد، اگر جریان داشته باشد آب جاری است و اگر بدون جریان باشد به آن آب چاه می گویند.

آبی که از زمین نمی جوشد و از آسمان نمی بارد، آب راکد است و اگر این آب راکد مقدارش حداقل $\frac{3}{5}$ و جب در درازا، پهنا و گودی ظرفی باشد آب کُر و اگر کمتر باشد آب قلیل است.

تنها آب مطلق چیز نجس را پاک می کند، گرچه ممکن است که آب مضاف چیز کثیف را تمیز کند ولی هرگز چیز نجس را پاک نمی کند.

احکام آب قلیل

۱- آب قلیل با برخورد به نجاست، نجس می شود.

۲- اگر آب قلیل از بالا با فشار بر چیز نجس بریزد، مقداری که به شیء نجس می رسد نجس است و هر چه بالاتر از آن است، پاک می باشد مثلاً با آفتابه آب را بر شیء نجس بریزد.

۳- اگر آب قلیل از پائین با فشار به بالا رود مانند فواره - اگر نجاست به قسمت بالای آن برسد پائین نجس نمی شود و اگر نجاست به پائین برسد بالا هم نجس می شود.

۴- آب قلیلی که برای برطرف کردن عین نجاست روی چیز نجس ریخته می شود و از آن جدا می گردد، نجس است و باید از آبی که بعد از برطرف شدن عین نجاست برای تطهیر چیز نجس روی آن می ریزند و از آن جدا می شود، اجتناب کنند.

چگونگی تطهیر اشیاء نجس با آب

تمام اقسام آبهای مطلق، بجز آب قلیل، تا زمانی که بو یا رنگ یا مزه نجاست را نگرفته باشد، پاک است ولی در صورت تغییر مذکور، نجس می‌شود. بنابراین آب جاری، چاه، کُر و حتی باران در این حکم مشترک‌اند. آب لوله‌های ساختمان‌ها که متصل به منبع آب کُر می‌باشند در حکم آب کُر است.

برخی از خصوصیات باران :

- اگر بر چیز نجسی که عین نجس در آن نیست یک بار ببارد، آن چیز پاک می‌شود.
- اگر بر فرش و لباس نجس یک بار ببارد، پاک می‌شود و فشار لازم ندارد.
- اگر بر زمین نجس ببارد پاک می‌شود.
- هر گاه باران در جایی جمع شده اگرچه کمتر از کُر باشد چنانچه تا موقعی که باران می‌بارد چیز نجس را در آن بشویند، البته تا زمانی که بو یا رنگ یا مزه آن تغییر نکرده باشد، پاک است.

احکام شک در آب

- مقدار آبی که قبلاً کُر بوده ولی معلوم نیست که الآن قلیل شده یا نه، حکم آب کُر را دارد.
- آبی که معلوم نیست پاک است یا نجس، پاک می‌باشد.
- آبی که پاک بوده و شک در آن است که نجس شده یا نه، حکم آب پاک را دارد.
- آبی که نجس بوده ولی معلوم نیست پاک شده یا نه، حکم آب نجس را دارد.
- آبی که مطلق بوده ولی معلوم نیست مضاف شده یا نه، حکم آب مطلق را دارد.

پرسش

- ۱) کدامیک از نجاسات با آب قلیل قابل تطهیر نیست؟
- ۲) تفاوت آب چاه و آب جاری در چیست؟
- ۳) ویژگی برتر باران از آب کُر چیست؟
- ۴) در چه صورتی ممکن است مقداری از آب قلیل نجس و مقداری از آن پاک باشد؟
- ۵) منبع آبی که بیش از حد کُر آب داشته ولی مقداری از آن مصرف شده، آیا باز هم حکم آب کُر را دارد؟
- ۶) حکم آب لوله‌های ساختمان‌ها چیست؟
- ۷) آبی که نه از زمین می‌جوشد و نه از آسمان می‌بارد چیست و حکمش چگونه است؟
- ۸) منظور از طهارت ظاهری و طهارت باطنی چیست؟

بسمه تعالی

بنام خداوند لوح و قلم حقیقت نگار وجود و عدم

درس ششم:

وضو

«يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ...»
ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که به نماز می‌ایستید، صورت و دستها را تا آرنج بشویید! و سر و پاها را تا برآمدگی پشت پا مسح کنید. (مائده/۶)

۱ - وضوی ترتیبی
۲ - وضوی ارتماسی
۳ - وضوی جبیره

شستن: صورت - دست راست - دست چپ
مسح: سر - پای راست - پای چپ

وضوی ارتماسی:

وضوی ارتماسی آن است که انسان به قصد وضو، صورت و دستها را از بالا به پایین در آب فروبرد و بیرون آورد.

وضوی جبیره‌ای:

دوایی که بر زخم می‌زنند و چیزی که با آن زخم را یا عضو شکسته را می‌بندند «جبیره» نام دارد.

احکام جبیره

- ۱- شخصی که بر اعضای وضویش زخم یا شکستگی است اگر بتواند بطور معمول وضو بگیرد باید چنین کند؛ مثلاً:
 - روی زخم باز است و آب برای آن ضرر ندارد.
 - روی زخم بسته است ولی باز کردن آن امکان دارد و آب ضرر ندارد.

۲- اگر چنانچه زخم بر صورت و یا دستهاست و روی آن باز است و آب ریختن روی آن ضرر دارد، اگر اطراف آنرا بشوید، کافی است.

۳- اگر زخم یا شکستگی در جلوی سر یا روی پاهاست (محل مسح) و روی آن باز است - چنانچه نتواند آنرا مسح کند باید پارچه پاکي روی آن بگذارد و روی پارچه را با تری آب وضو که در دست مانده مسح کند و اگر گذاشتن پارچه ممکن نباشد باید به جای وضو تیمم کند و بهتر است یک وضوی بدون مسح هم بگیرد.

۴- کسی که نمی‌داند وظیفه‌اش وضوی جبیره‌ای است یا تیمم - بنا بر احتیاط واجب باید هر دو را انجام دهد.

۵- کسی که در کف دست و انگشتان جبیره دارد و در موقع وضو دستِ تر روی آن کشیده است، می‌تواند سر و پا را با همان رطوبت مسح کند یا از جاهای دیگر وضو رطوبت بگیرد.

۶- اگر در صورت و دست‌ها چند جبیره باشد، بین آنها را باید بشوید و اگر جبیره‌ها در سر یا روی پاها باشد باید بین آنها را مسح کند و در جاهایی که جبیره است باید به دستور جبیره عمل کند.

مقدار جبیره و وظیفه وضوگیرنده

۱ - اگر جبیره تمام اعضای وضو را گرفته باشد باید تیمم کند.

۲ - اگر جبیره بعضی از اعضای وضو را گرفته باشد مثل تمام صورت یا تمام یک دست، باید وضوی جبیره‌ای بگیرد.

۳ - اگر جبیره بیشتر اعضای وضو را گرفته باشد بنا بر احتیاط واجب باید وضوی جبیره بگیرد و تیمم هم انجام دهد.

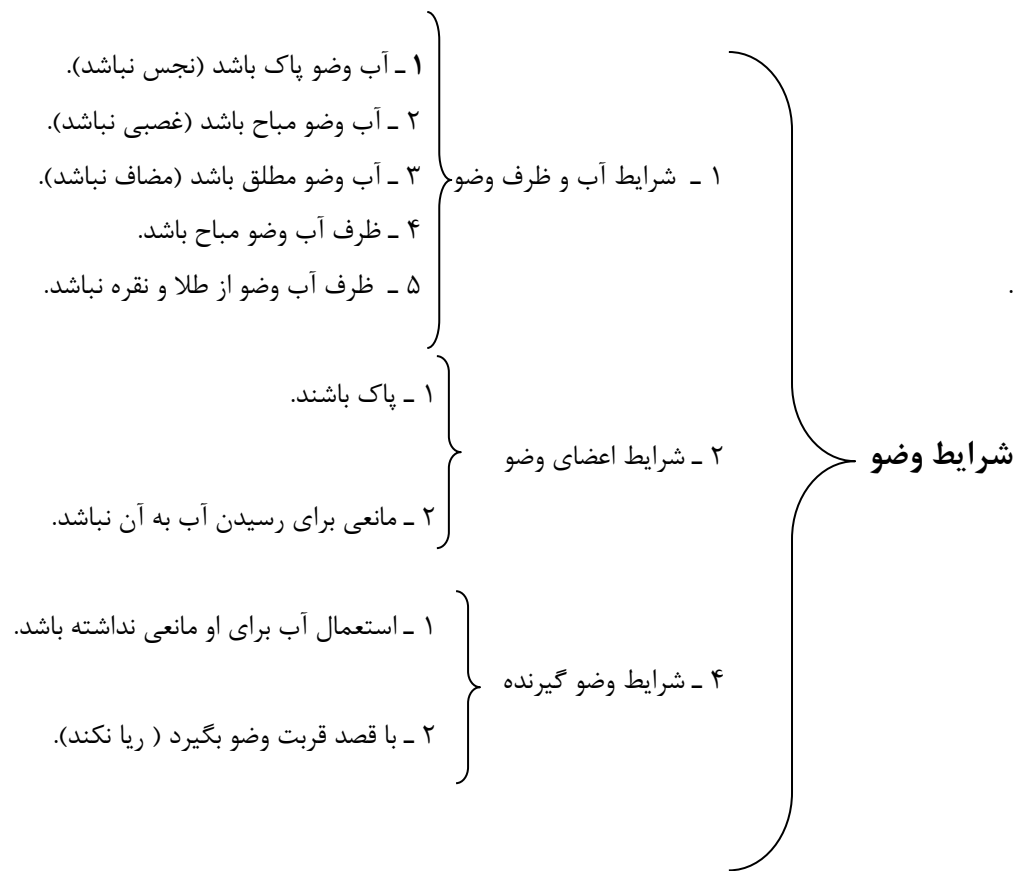
۴ - اگر جبیره بیش از حد معمول اطراف زخم را پوشانده باشد و برداشتن آن ممکن نباشد، باید وضوی جبیره بگیرد و بنا بر احتیاط واجب تیمم هم بنماید.

شرایط کیفیت وضو

۱ - رعایت ترتیب	}
۲ - رعایت موالات	
۳ - شخصاً انجام دهد. (از دیگری کمک نگیرد)	

شستن اعضای وضو:

بار اول: واجب	}
بار دوم: جایز	
بار سوم: حرام	



پرسش

- (۱) فرق ترتیب و موالات در وضو چیست؟
- (۲) شرایط مشترک آب و ظرف آب وضو کدام است؟
- (۳) شرایط وضوگیرنده چیست؟
- (۴) اگر یک دست را بطور کامل جبیره پوشانده است و باز کردن جبیره هم ممکن نیست وظیفه چیست؟
- (۵) اگر هر دو پا و پیشانی باندپیچی شده باشد، وظیفه او برای وضو چیست؟
- (۶) اگر شصت پا با دو انگشت دیگر را جبیره پوشانده باشد، وظیفه برای مسح چیست؟